



۱۶ نومبر ۲۰۱۵



داکتر عبدالرحمن زمانی

## قیام سال ۱۳۲۴ صافی های کُنر

(قسمت دوم)

### موقعیت ستراتیژیک دره کُنر

موقعیت ستراتیژیک و حساس جغرافیوی کُنر تاثیر عمیقی بر زندگی و تاریخ مردم آن منطقه داشته و دارد. تمام اقوام و اقشار باشنده کُنر به مقابل حاکمیت خارجی، استعمار و تجاوز قشون بیگانگان سوابق طولانی مبارزاتی داشته و قهرمانان مقاومت پنداشته میشوند.

لشکر های جهان گشایانی چون اسکندر و بابر قبل از رسیدن به هند از منطقه کُنر گذشته و قبل از رسیدن به لاهور و دهلی و حتی قبل از رسیدن به سرزمین پشتون های مهمند و یوسف زائی باید با ائتلاف قدرتمند قبایل کوهستانی کُنر پنجه نرم میگردند.

قبل از جدائی کُنر و چترال و تعلق گرفتن آن بدو کشور افغانستان و پاکستان امروزی، کُنر و چترال در مسیر یک شاخه راه ابریشم قرار داشت که از ارزش مهم تاریخی و تجارتی برخوردار بوده و آسان ترین راه عبور از کوتل های پامیر و رسیدن به میدان های هموار شبه قاره هند بود. راه ابریشم شبکه از راه های زمینی بود که سرزمین های آسیایی را به یکدیگر پیوند میداد و از چین تا مدیترانه امتداد داشت. البته تجارت در این راه تنها به ابریشم منحصر نبود بلکه ادویه و کالاهای دیگر نیز در آن حمل و نقل می شد، و نیز از همین راه ها بود که طی قرون و اعصار هنر، فن، صنعت، خط، زبان و دین میان فرهنگ ها و تمدن های گوناگون مبادله میشد.

چون از قسمت های بالائی کُنر یک راه به چترال و دیگری به مناطق قبایلی شمال غرب هند که بخشی از افغانستان بوده ولی در آن وقت تحت اداره حکومت مرکزی قرار نداشت، میرسید، لذا کُنر برای هند بریتانوی نیز از اهمیت ستراتیژیک خاص برخوردار بود.

کُنر همچنان بدخشان و سرحدات روسیه را در شمال از طریق باجور به وادی پشاور و سواحل دریای سند (اباسین) وصل میکرد و از طریق دره پیچ به پنجشیر نیز راه داشت که هر دوی این راه ها در دوران جنگ افغان و روس نیز مورد استفاده مجاهدین قرار میگرفتند.

مرکز عمومی کُنر (چغه سرای) که به افتخار اسم قریه زادگاه سید جمال الدین افغان بنام اسعد آباد مسمی شده است، در قسمت های وسطی دره کُنر و مدخل دره پیچ قرار دارد محمد ظهیرالدین بابر در "تزک" خود آن را بنام "چغانیان سرای"، "چغان سرای" نامیده است. تپه تاریخی چغان هم در همین تقاطع دره پیچ و در قسمت چپ آن قرار دارد که هم بر دره کُنر و هم بر شهرک و مرکز حکومتی چغه سرای حاکم است. درین تپه بقایای آبادی های مهمی دیده میشود که در آن از خشت ها و لوحه های بزرگ و ضخیم مرمر استفاده شده است. از بقایای دیوار ها و تهداب ها چنین بر می آید که روزی درین جا آبادی های مهمی وجود داشته است. استاد احمد علی کهزاد مینویسد که از بقایای این آبادی ها و اسمای روی لوحه ها چون ابن عمر، سلطان پگل، بهرام شاه، حیدر علی، ننگر و غیره، به زبانهای عربی و فارسی میتوان حدس زد که آبادی های مذکور مربوط به سده های اسلامی آنهاست و عهد اسلامی تا ۶۰۰ سال قبل باشند، و این حدس ما را به دوره چغانی های احفاد چنگیز نزدیک میرساند و نام تپه چغان یا چغان سرای فولکلور عامه تاحد زیادی مؤید این نظر است. از طرف دیگر به اساس تحقیقات هیئت مردم شناسی دنمارک احتمال دارد که اسکندر مقدونی حین عبور از دره کُنر یکی از دهکده های بزرگ یا قلعه های جنگی

د پانیو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

نورستانی های قدیم را آتش زده باشد، گمان غالب برین است که در همین جای که امروز خرابه های "تپه چغان" واقع است و برای یک قلعه نظامی محل ممتازی بشمار میرود، قلعه مهمی بوده و اجداد نورستانی ها در دو هزار و پنجمصد سال قبل در همین نقطه با فاتح مقدونی پنجه نرم کرده اند، و بالاخره قرارگاه مقاومت شان طعمه حریق شده است.<sup>1</sup>

### سوابق مبارزات آزادیخواهانه مردم کُتر

اقوام باشنده کُتر سوابق طولانی پیکار و مبارزه بامهاجمین و استعمار دارند. به گفته براین گلین ویلیامز Brian Glyn Williams نویسنده کتاب «غیر محرمانه شدن افغانستان: رهنمای طولانی ترین جنگ امریکا»، «سکندر کبیر اهمیت ستراتیژیک کُتر را دانسته و در قرن چهارم قبل از میلاد در راهش به باجور، منطقه قبایلی شرق، بر کُتر هجوم برد. در دوران این تجاوز اهالی محل خانه هایشان را آتش زده و برای براه انداختن جنگ های گوریلائی (پارتیزانی) فرار نمودند- شیوه جنگی ایکه اخلاف شان تا عصر امروز آنرا ادامه داده اند. در اواخر قرن ۱۹، انگلیس ها دانستند که بهترین طریقه سرکوبی پشتون های محل تقسیم مصنوعی سرزمین شان و قرار دادن بخشی از آن در هند بریتانوی (بعدها پاکستان) و بخش دیگر آن در افغانستان میباشد. اما این «سرحد» مصنوعی [دیورند] نتوانست از پیوستن پشتونهای کُتر با برادران پشتون باجور و راه اندازی جنگ های گوریلائی علیه انگلیس ها جلوگیری کند» (صفحات ۶۱ و ۶۲).

### الف: مبارزات آزادیخواهانه مردم کُتر قبل از جنگ استقلال

در دوره امارت امیر حبیب الله خان، آزادیخواهان کُتری تحت رهبری غازی میرزمان خان کُتری و میرصاحب جان پاچا (معروف به شیخ پاچای اسلام پور)، با مبارزان آزادی طلب و رزمنده گان سرحد آزاد که علیه انگلیس ها قیام و اعلان جهاد نموده بودند، روابط نزدیک برقرار نموده و در جنگ های معروف ضد انگلیسی سالهای ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۵ میلادی شرکت مینمودند.

به گواهی اسناد رسمی انگلیس<sup>2</sup>، «لاردمینتو» نائب السلطنه هند بریتانوی در رابطه با قیام ۱۹۰۸ مهندبه امیر حبیب الله خان اطلاع داده و خواست تا جنگجویان مسلحی را که از قلمرو افغانستان آمده و در جنگ اشتراک دارند، فوراً برگرداند و در آینده هم از آمدن ایشان جلوگیری کند. امیر حبیب الله خان با گرفتن پیغام مؤرخ ۲۴ اپریل در جوابیه تاریخ ۵ می به او اطمینان داد که به مامورینش احکام جدی صادر کرده تا شدیداً از عبور افراد از سرحد جلوگیری کنند. اما جنگجویان کُتری ازین دستور امیر حبیب الله خان سرپیچی نموده و به عبور از خط دیورند و شرکت شان در حملات مسلحانه بر قوای انگلیس تا زمانی ادامه دادند که غازی میرزمان خان تحت پیگرد و تعقیب

---

1. زمانی، عبدالرحمن: جنگ استرداد استقلال افغانستان: جبهه فراموش شده چترال و کُتر، حقایق نهفته و حرف های ناگفته جبهه چهارم. صفحات ۵۱-۵۲.

2. Summary of the Administration of Lord Minto, No. 16, p 14.

حکومت قرار گرفته و به بهانه ای بازداشت و روانه زندان شیرپور گشت . میرزمان خان گُری تا کشته شدن امیر حبیب الله خان در زمستان سال ۱۹۱۹ برای مدت بیش از چهار سال در زندان بسر برد. 3

مرحوم ملا فیض محمد کاتب هزاره در وقایع ماه ربیع الاول سنه ۱۳۲۶ مطابق با اپریل ۱۹۰۸ میلادی از مکتوبی که شیخ پاچای اسلام پور بتاریخ یازدهم ربیع الاول به میان صاحب سرکانی نگاشته بود یادآور میشود. درین مکتوب نوشته شده بود که «اگر چه بلوای عام و ازدحام تام مردم کشوری است نه جهاد شرعی و امر پادشاهی، بایست مردانه کوشید و نام ملت را بلند کرده مخالف دین را خاطر نژد ساخت.» کاتب علاوه میکند که ازین نوشته او عموم مردم زیاده تر روانه پیکار گردیده آتش جنگ را به اشتعال آوردند... دلیران روز میدان جنگ کوداخل بر بازار شیدر تاخته و یکصدو هشتاد تن از سپاه نظام که به حراست و استحکام آن قیام داشتند، به مدافعت پرداخته اغلب از نصف تعداد ایشان بهدف تیر تفنگ جان ستان گشتند، و دلیران گداخیل [کوداخل-زمانی] بازار را آتش زده تمام بسوختند.» 4.



امیر حبیب الله خان حین سفر رسمی بازدید از هند بریتانوی در پشاور

3 . اخلاص، عبدالخالق (۲۰۰۵م). استقلال خلورمه جبهه (د حبیب الله رفیع سرریزه، سمون، لمنی او نبلونی) دویم چاپ.. دانش کتاب خپرنخی. پېښور، ص ۹۵.

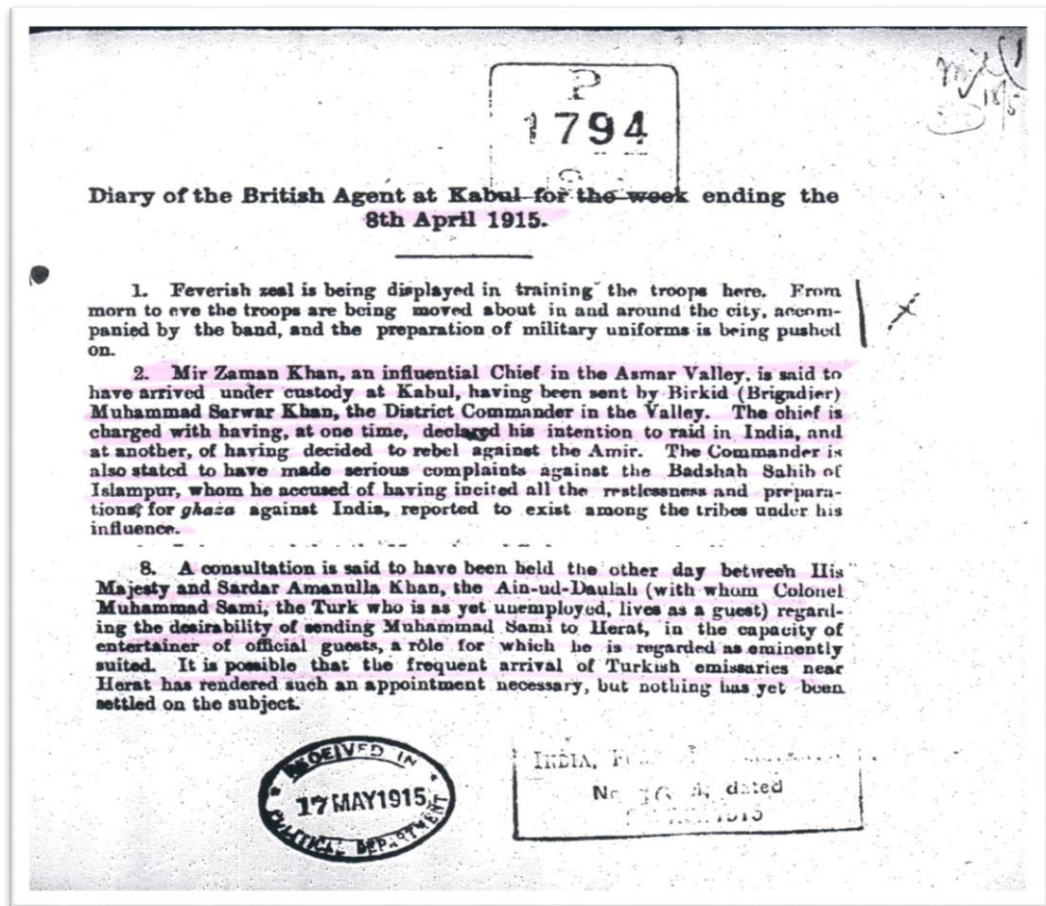
4 . کاتب، فیض محمد (۱۳۹۰). سراج التواریخ، جلد چهارم، بخش سوم، انتشارات امیری کابل، صفحه ۳۰۲.

د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

کاتب هزاره، در جلد چهارم سراج التواریخ، احکام ترک جهاد امیر حبیب الله خان به برگد زبردست خان و عبدالرحمن خان قایم مقام حاکم جلال آباد راجنین نقل میکند: « چون دولت افغانستان با دولت انگلیس رشته پیمان در میان دارد، تا وقتی که آن دولت نقض عهد نکند و پای تجاوز پیش نهند، قرار امر شرع مطهر، غزا و دفاع جایز نیست و از حضور هم درین خصوص امری صدور نیافته است، پس تا زمانی که دولت انگلیس در حدود متصرفه و مستعمره خود بوده، اقدام در تجاوز نکند، ایشان را باید که مرتکب کار ناهنجاری نشوند و غربا و فقرا را فراهم آورده بی موجب به قتل ندهند.»<sup>5</sup>

درینجا چند سندی از اسناد محرمانه آنوقت استخبارات انگلیس از آرشیف هند بریتانوی را ذکر میکنیم که از شرکت وسیع مردم گنر در مبارزات آزادیبخش سرحد آزاد و تلاش های امیرحبیب الله خان برای جلوگیری ازین جنگ های ضد انگلیسی حکایت میکند.



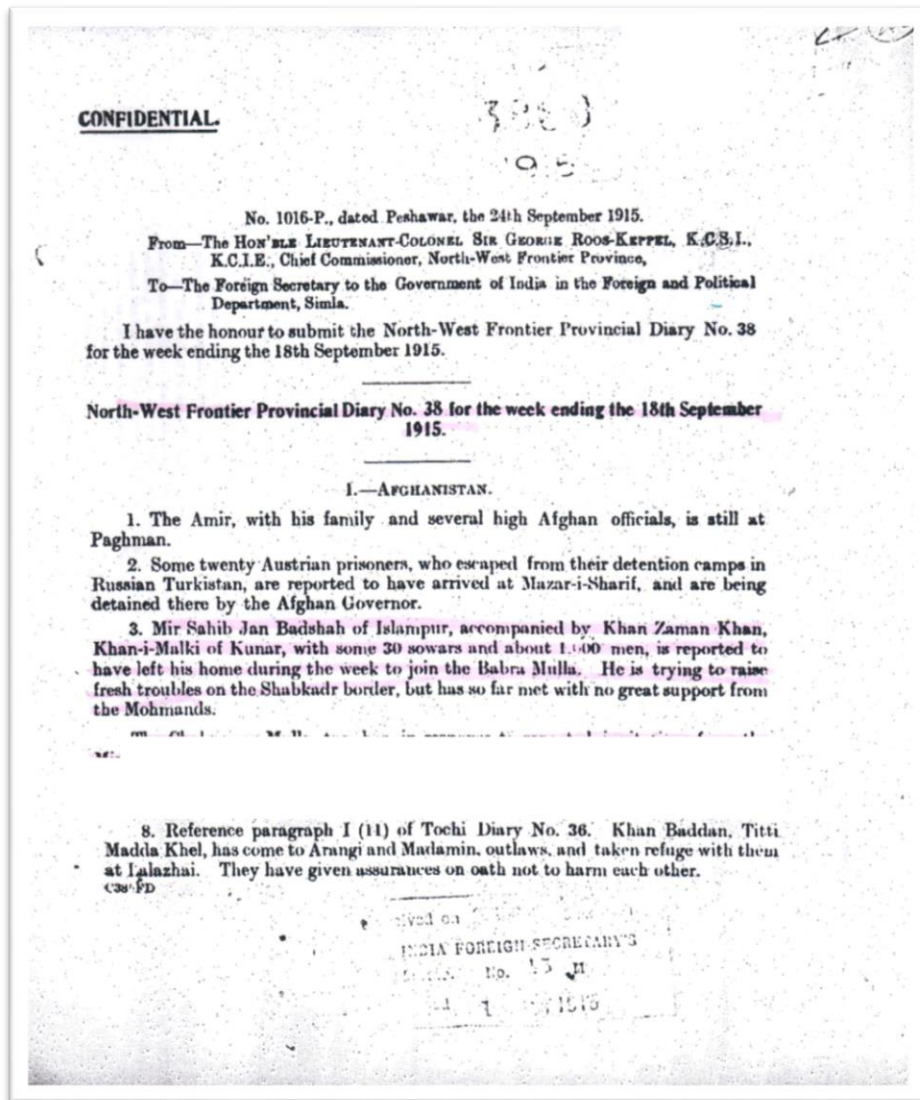
5. کاتب، فیض محمد (۱۳۹۰) شمسی. سراج التواریخ، جلد چهارم، بخش سوم. انتشارات امیری کابل، صفحه ۳۱۱.

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

درفقره دوم راپور محرمانه عامل انگلیس ها در کابل (برای هفته که بتاریخ ۸ اپریل ۱۹۱۵ به پایان رسیده)، میخوانیم که «گفته میشود میرزمان خان، یکی از سران منتفذ دره اسمار، که توسط برگد [لوامشر] محمد سرور خان قوماندان بخش آن دره تحت الحفظ فرستاده شده بود، وارد کابل شده است. این پیشوا متهم است که در یک مورد اراده حمله بر هند را داشته است و در مورد دیگر تصمیم گرفته است علیه امیر بغاوت کند. گفته میشود که قوماندان همچنان از بادشاه صاحب اسلامپور هم شدیداً شکایت نموده و او را به تحریک تمام ناآرامی ها و آماده گی موجود برای غزا علیه هند، طوری که در اقوام تحت نفوذش گزارش داده شده است، متهم ساخته است.»

غازی میرزمان خان بعد از ضمانت نقدی ده هزار (۱۰۰۰۰۰) افغانی که توسط شهزاده امان الله خان (عین الدوله) آزاد شد، اما دشمنی با استعمار انگلیس و عشق به آزادی او را واداشت تا اخطار های امیر حبیب الله خان را نادیده گرفته، با جنگجویان کُتری به سرحد آزاد رفته و بر شهرک عسکری انگلیس ها در شب قدر حمله کند.



د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

در فقره سوم راپور ماه سپتمبر همان سال انگلیس ها چنین میخوانیم که « میرصاحب جان پاچای اسلامپور به همراهی خان [میر] زمان خان، خان ملکی گنر با ۳۰ نفر سواره و تقریباً هزار مرد، درین هفته برای یکجا شدن با ملای بایره، از خانه های خود حرکت کرده اند. ملای بایره میکوشد در سرحدات شبقدر مشکلات تازه ایجاد کند، اما تا حال کدام کمک کلانی را از مومند ها بدست نیاورده است.»

بعد از آنکه امیر حبیب الله خان بر سران جنگجویان فشار آورد تا از جنگ دست برداشته و فوراً به کابل بروند، غازی میرزمان خان باز از فرمان شاه سرپیچی نموده، و برای ادامه جنگ با انگلیس و تلافی کمبود لشکر، دست به کار شد.

4. Reference paragraph XI (7) of Diary No. 47. The *lashkar* referred to has dispersed. It is reported that the *lashkar* at Navi numbered over 600 and that about 3,000 men from the neighbourhood were also about to join Mirzaman when the Brigadier at Asmar received warning from Jalalabad that he would be held responsible for the *lashkar's* acts. He thereupon hurried to Sao and made Mirzaman disperse his following. Badshah Sahib of Shinkorak is said to have warned the Naib Sipah Salar of Jalalabad of Mirzaman's action and himself forbade his *Muwids* to join the *lashkar* on pain of excommunication.

XII.—ARMS TRAFFIC.

Nil.

XIII.—MISCELLANEOUS.

Nil.

PESHAWAR;

The 3rd December 1915.

E. H. KEALY,

Secretary to the Chief Commissioner,  
North-West Frontier Provinces.

در فقره چهارم سند فوق انگلیس ها درین رابطه چنین میخوانیم « به حواله پاراگراف یازدهم یادداشت شماره ۴۷، لشکری که به آن اشاره شده است، متفرق گشته است. راپور ها حاکیست که لشکر "ناوه" به ۶۰۰ نفر رسیده و ۳۰۰۰ (سه هزار نفر) قرار است به میرزمان بپیوندند. به لوامشر اسمار از جلال آباد اخطار داده شده است که اگر جلو این لشکر را نگیرد، شخصاً مسؤل شناخته خواهد شد. او بعد از آن به منطقه "ساو" شتافته و از میرزمان خواست تا لشکر را پراکنده کند. گفته میشود که پاچا صاحب شینکورک [پدر مرحوم سید شمس الدین خان مجروح — زمانی] از فعالیت های میرزمان خان به نائب سپه سالار جلال آباد اطلاع داده و خودش مرید های خود را از پیوستن به لشکر و عذاب کفر(?) منع کرده است.»

(ادامه دارد)

د پانوی شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی